

انسان، زمین و جنگل

یداله مختارپور*

* رئیس گروه پژوهش و آینده‌نگری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران

زیستن چون تک‌درختی آزاد و چون جنگلی برادرانه، این آرزوی ماست. (ناظم حکمت)

زمین این گوهر گمشده در پهنه آسمان‌ها، تنها میراث مشترک انسان‌هاست که همچون مادری مهربان همه را در آغوش گرم خود پرورش داده، از اعماق وجودش همه شرایط را برای زیست انسانی، حیوانی و گیاهی فراهم آورد ولی تنها به انسان سروری داد تا بر این قلمرو بی‌پایان فرمانروایی کند. انسان به لطف زمین رشد و نمو یافت؛ به بالندگی رسید و از کرات دیگر سر در آورد و اینک مست و مغرور، مهر زمین را از یاد برده است. تخریب روابط متقابل انسان و زمین، تبعات ناگواری داشته که تغییر اقلیم و گرمایش زمین از پیامدهای کوچک آن است. دمای میانگین کره زمین نسبت به دهه‌های گذشته حدود یک درجه سانتی‌گراد گرم‌تر شده است و انتظار افزایش دما بین ۲ تا ۴ درجه سانتی‌گراد برای دهه‌های آتی وجود دارد. در همین راستا، تعداد شوک‌های اقلیمی مثل تنش شدید گرمایی، خشکسالی و سیل افزایش یافته است (Leck *et al.*, 2015). ادامه این روند می‌تواند تهدیدی جدی بر استمرار حیات بر روی زمین باشد. حال که تغییرات اقلیمی در سطح جهانی مطرح است، شاید این گفتار، تلنگر و هشدار باشد به همه آدمیان و به‌ویژه مدیران و برنامه‌ریزان سازمان‌های زیست‌محیطی تا به خود آیند و با تجدیدنظر در کردوکار خویش، پیش‌بینی تمهیدات لازم و وضع قوانین بازدارنده برای محافظت هرچه بیشتر از زمین، آینده بهتری را برای خود و همگان رقم زنند.



در ابتدای پیدایش، سراسر زمین را آب فرا گرفته بود و تا ۳/۵ میلیارد سال بعد از آن، هیچ نوع حیاتی در آن وجود نداشت. به مرور خشکی سر برآورد. در اثر فعل و انفعالات شیمیایی که در محل تقاطع آب‌های گرم و سرد در اعماق دریاها رخ داد، حیات ابتدا به شکل بسیار ساده پدیدار گشت. میلیون‌ها سال طول کشید تا حیات از شکل ساده و تک‌سلولی به چندسلولی در آمد و کامل‌تر شد. به تدریج حیات از دریا به خشکی آمد. ابتدا گیاهان رویدند و جنگل‌ها شکل گرفتند و بعد جانوران سر برآوردند.

اگر طبیعت را هستی منهای انسان بدانیم؛ فقط انسان است که توانسته در طبیعت دست ببرد و آن را تغییر دهد. سایر حیوانات فقط در حد لانه‌سازی توانستند در طبیعت دستکاری کنند. امروزه انسان با اختراعات و اکتشافات و پیشرفت‌های شگرف علمی خود در همه زمینه‌ها به‌ویژه فناوری از کرات دیگر سر در آورده ولی از کره خویش غافل شده است و این بزرگ‌ترین خطری است که کره زمین را تهدید می‌کند. میلیون‌ها هکتار جنگل در جای‌جای این کره خاکی، فقط برای زیبایی بصری به‌وجود نیامده‌اند، بلکه به‌منزله ریه زمین ایفای نقش می‌کنند که جنگل‌های هیرکانی بزرگ‌ترین سرمایه ملی، تنها بخش کوچکی از یادگار گذشته است.

ما در طبیعت غرق شدیم و با دقت به آن نمی‌نگریم؛ لذا درک درستی از آن نداریم. حیوانات درنده به قلمرو هم احترام می‌گذارند؛ به سهم خود از طبیعت قانع هستند؛ به اندازه نیازشان شکار می‌کنند و از مانده غذایشان چندین گونه جانوری دیگر نیز بهره می‌برند؛ چون وجود گونه‌های مختلف در چرخه حیات لازم و ضروری است. ما از روی عادت به جنگل‌های هیرکانی نگاه می‌کنیم؛ زیبایی‌های آن را نمی‌بینیم و قوانین آن را کشف نمی‌کنیم. به این جنگل‌ها و اکوسیستم آن آسیب می‌رسانیم، بدون آن‌که خود بخواهیم. آینده‌گان را به مخاطره می‌اندازیم و خود از آن غافلیم. استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی و در نتیجه بالا رفتن سرعت روند گرمایش زمین و آلودگی آب، هوا، خاک و آلودگی‌های صوتی نادیده گرفته می‌شود، در حالی که منشأ اکثر بیماری‌ها بوده و سبب می‌شود سالانه هزاران نفر با انواع بیماری‌ها دست و پنجه نرم کنند. کافی است مساحت جنگل‌های هیرکانی در قرن گذشته با قرن حاضر را مقایسه کنیم.



اندکی تأمل کافی است تا دریابیم همه زیبایی‌ها و این همه منابع عظیم غذایی در خشکی و دریا و به‌ویژه جنگل‌ها نه تنها برای بهره‌مندی انسان، بلکه مکانیسم این چرخه بسیار پیچیده و عظیم، برای ادامه حیات امروز انسان، حیوان و گیاه است. از طبیعت یاد بگیریم که مهربان باشیم. خورشید بی‌وقفه نور و گرمایش را به زمین می‌بخشد و حتی به ماه نیز سفارش کرد تا نور

خود را از زمین دریغ ندارد و شب ما را زیباتر کرده است. باران بی منت بر زمین می بارد. جنگل پیوسته اکسیژن مورد نیاز زمین را تولید می کند. به قول سهراب شاعر طبیعت: "من ندیدم دو صنوبر را با هم دشمن. من ندیدم بیدی، سایه اش را بفروشد به زمین. رایگان می بخشد نارون شاخه خود را به کلاغ." ولی ما چشمان را بستیم. کافی است رفتار انسان ها با یکدیگر را با رفتار حیوانات با هم نوع خود مقایسه کنید و ببینید کدام فاجعه آمیز است؟.

طبق یک بررسی، اکنون حدود سه تا پنج میلیون گونه حیات بر روی زمین وجود دارد؛ تنوع زیستی لازمه ادامه حیات بر کره زمین است (۱). این ما هستیم که با ندانم کاری ها، رهاسازی فاضلاب ها در طبیعت، آلوده کردن محیط زیست و تخریب جنگل ها، روند فرسایش خاک را تسریع و تعادل زیستی را برهم زده ایم. در هر ۳۴ ثانیه جنگلی به وسعت یک زمین فوتبال را نابود کرده و عرصه را بر گیاهان و جانوران تنگ و به محیط تعرض نموده، قلمرو آنان را محدود ساخته ایم (۲). همزیستی را از طبیعت یاد نگرفتیم که با مصرف بی رویه سموم و کودهای شیمیایی، آب ها و خاک ها را مسموم و با صید بی رویه، منابع عظیم غذایی در دریا را محدود کرده ایم.

در طبیعت و جنگل ها هر جا که انسان ها قدم نهاده باشند، زباله ها هم خودنمایی می کند. زباله ها و مواد پلاستیکی همچون حلقه های سیم های خاردار به پر و پای رودخانه ها و تالاب ها چسبیده اند؛ بطری های خالی، راه گلی چشمه ها را بسته اند و "حنجره جوی آب را قوطی های کنسرو خالی زخمی کرده اند." زباله ها و شیرابه ها، جنگل ها، رودخانه ها و دریاها را آلوده کرده اند. مقایسه میزان استفاده انسان ها از انرژی های پاک چون انرژی خورشیدی، باد، آب و امواج دریا با انرژی های فسیلی، خود گویای آن است که ما با طبیعت چه کرده ایم!



اگر در سراسر جهان، جنگل های انبوه، بی وقفه و با سرعت تخریب نمی شد؛ اگر صنایع بزرگ در کشورهای صنعتی، کمتر گازهای گلخانه ای تولید می کردند و پساب های صنعتی را در طبیعت رها نمی کردند؛ اگر استانداردهای زیست محیطی رعایت می شد؛ نفسمان همچون ماهیان در خشکی، به شماره نمی افتاد و زمین هم می توانست نفسی تازه کند.

اگر معماران جامعه جهانی را تدبیری می بود، لایه ازون در بعضی مناطق زمین نازک و پاره نمی شد؛ دمای زمین آنقدر بالا نمی رفت که میلیون ها هکتار جنگل در آتش بی تدبیری بسوزد و نسل گونه های مختلف گیاهی و جانوری و گاه کمیاب منقرض گردد؛ آثار زیان بار تغییرات اقلیمی مانند سیل های ویرانگر، خشک سالی های وحشتناک، رانش و فرونشست زمین، میلیون ها انسان را در مناطق مختلف جهان آواره نمی کرد، بی تردید زمین جای امن تری برای زیستن می بود.



اگر از فناوری‌های نوین فقط برای پیشرفت‌های علمی، توسعه کشاورزی، حفاظت از جنگل‌ها و منابع طبیعی، امنیت و آسایش انسان‌ها استفاده می‌شد، شاید کورسوی امیدی به آینده می‌بود و زیستن بر کره زمین آنقدر غم‌انگیز نبود. اگر عشقی در دل‌ها می‌بود، جنگل‌ها هرگز تخریب نمی‌شد و سینه زمین برای استخراج بی‌رویه معادن، آنقدر شکافته نمی‌شد که هرگز التیام نیابد، نسل آینده نیز قربانی طمع‌ورزی‌های امروز ما نمی‌شد و زندگی به کام عاقلان هم آنقدر تلخ نبود. سرنوشت انسان‌ها و زمین عجیب به هم گره خورده است. هیچ‌کدام را گریزی نیست. آیا زمین باید شرمنده باشد که انسان را در دامان پرمهر خود پرورده و به او سروری داده است؟ یا آن که انسان باید شرمسار ابدی زمین و اعمال و کردار خود باشد که با ندانم‌کاری‌ها و بی‌تدبیری‌ها، جنگل‌ها را نابود کرده و نعمت‌ها و فرصت‌هایی که زمین به او بخشیده را به تباهی و زمین را به ورطه نابودی کشانده است.

آری، خوشبختی ما در گرو سعادت و خوشبختی دیگران است و تداوم آن، متأثر از رفتار انسان‌ها با یکدیگر و با طبیعت است. با توجه به پیامدهای تغییرات اقلیمی، چالش آینده بشر بر سر منابع آب و غذا است، اگر همه انسان‌ها از زمین الهام بگیرند که مهربان باشند و دست در دست هم برای مدیریت منابع آب، ظرفیت‌سازی برای افزایش تولیدات کشاورزی، امنیت غذایی، حفاظت از جنگل‌ها و منابع طبیعی و ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی تلاش کنند و صیانت از خود، هموعان و کره زمین این مادر مشترک را مقدم بر هر وظیفه دیگری بدانند؛ قطعاً زمین جای آرام‌تر و دلپذیرتری برای زندگی ما و آیندگان خواهد بود.

فهرست منابع

1. <http://irancbd.areeo.ac.ir>
2. <http://www.iana.ir>
3. Leck, H., Conway, D., Bradshaw, M. and Rees, J. 2015. Tracing the water energy food nexus: description, theory and practice Geogr. Compass 9: 445-460.